احكام و تعاليم فردى - خطا پوشی و ستاريّت

حضرت بهاءالله



**خطا پوشی و ستاريّت**

**حضرت بهاءالله:**

1 - " يا حبّذا لمحسن لن يستهزء بمن عصی ويستر ما شهد منه ليستر اللّه عليه جريراته وإنّه هو خير السّاترين . کونوا يا قوم ستّارا في الأرض وغفّارا في البلاد ليغفرکم اللّه بفضله ثمّ اصفحوا ليصفح اللّه عنکم ويلبسکم برد الجميل "

(ص ١١٥ج ٤ آثار قلم اعلی)

2 - " إن اطّلعتم علی خطيئة أن استروها ليستر اللّه عنکم إنّه لهو السّتّار ذو الفضل العظيم "

(لوح ناپلئون سوم - ص ١١٢الواح نازله خطاب بملوک)

3 - " ستّاريّت حقّ بشأنی غلبه نموده که اگر صد هزار بار از نفسی خطا مشاهده شود ابدا ذکرش از قلم امر جاری نه بلکه عفو فرموده مگر نفوسی که اعراض از حقّ نموده اند " (ص ١٨٠ ج ٣ امر و خلق)

4 - " بسا از نفوس که ارتکاب نمودند آنچه را که منهيّ بوده و مع علم به آن از حقّ جلّ فضله اظهار عنايت و مکرمت بر حسب ظاهر مشاهده نموده اند اين فقره را حمل بر عدم احاطه علميّه کرده اند غافل از آنکه اسم ستّارم هتک استار را دوست نداشته و رحمت سابقه حجبات خلق را نديده . ای علی اسم غفارم سبب تعويق عقاب بوده و اسم وهّابم علّت تأخير عذاب " (ص ١ - ١٨٠ ج ٣ امر و خلق)

**حضرت عبدالبهاء:**

1 - " نظر بقصور در حقّ يکديگر ننمائيد . اگر نفسی تقصيری نسبت بديگری نمايد ديده ، خطاپوش باشد و قصور مقصّر را در حقّ خويش بدامن عفو ستر نمايد و در مقابل آن قصور نهايت محبّت و مهربانی مجری دارد تا مقصّر خجل و شرمسار نشود " (ص ٩٨ ج ٢ مائده آسمانی ط ١٢٩ بديع)

2 - " اگر چنانچه از بعضی دوستان قصوری صادر گردد ديگران بايد بذيل ستر بپوشند و در اکمال نواقص او بکوشند نه اينکه از او عيبجوئی نمايند و در حقّ او ذلّت و خواری پسندند نظر خطا پوش سبب بصيرت است و انسان پر هوش ستّار () هر بنده پر معصيت . پرده دری شأن وحوش است نه انسان پر دانش و هوش "

(ص ١٣٨ ج ٩ مائده آسمانی ط اوّل و با چند تفاوت از جمله ()" ستّار عيوب " در ص ١٨٤ ج ٣ امر و خلق)

3 - " سؤال فرموده بوديد که اگر قصوری سرّی از نفسی صادر و شخصی ديگر تشهير دهد چگونه است . البتّه بقدر امکان بايد ستر نمايد و بچشم خطا پوش بپوشد و نصيحت نمايد انّ اللّه ستّار لعيوب عباده " (ص ١٨٥ ج ٣ امر و خلق)

4 - " بقصور کس نظر ننمائيد جميع را بنظر عفو ببينيد زيرا چشم خطا بين نظر بخطا کند امّا نظر خطا پوش بخالق نفوس بنگرد" (ص ٧٢ ج ١ بدئع الآثار)

5 - " ستّاری در اموريست که ضرّش بنفس فاعل عائد نه بدولت و ملّت و جمعيّت بشريّه و نوع انسانی راجع مثلا اگر شخصی ارتکاب فسقی نمايد يا آنکه عمل قبيحی از او صادر شود که ضرر راجع به نفس آن شخص است مثل آنکه تعاطی شرب کند يا مرتکب فحشاء گردد در اين مقام ستّاری مقبول و خطا پوشی محمود . امّا اگر نفسی دزدی نمايد ، مال ديگری بربايد در اين مقام ستر ، ظلم بر صاحب مال است . هر چند در حقّ سارق ستّاری عنايت است ولی در حقّ آن بيچاره مظلوم که اموالش منهوب گرديده عين تعدّی و ظلم است . اين ميزان است که بيان شد و باوجود اين نبايد پاپی ظهور نقائص ناس شد . تحرّی لازم امّا باندازه نه اينکه نفسی شغل و عمل خويش را اين قرار بدهد که فلان شخص ظلمی نمود و فلان کس تعدّی کرد و از مأمورين چه خيانتی ظاهر شده ، اوقات خويش را حصر در اين نمايد . اين نيز غير مقبول " (ص ٧ - ١٨٦ ج ٣ امر و خلق)

**حضرت ولی امر الله:**

1 - " هر چه صبر و شکيبائی و تفاهم محبّت آميز ياران نسبت بيکديگر و اغماض نواقص بيشتر باشد ترقّی جامعه بهائی بطور کلّی افزون تر خواهد گشت " (ص ٢١ نمونه حيات بهائی - ترجمه مصوّب)